

متن پرسش

سلام علیک و نفعاته و ریحانه. بسم الله الرحمن الرحیم:

رجب و گذر از تحیر دیروز و امروز تاریخ بشر

رجبیون، همان سالکانِ طریقتی می‌باشند که از دام میان تحجر و جمود بر ظاهر دین از یک طرف، و از غرق شدن در مناسبات تجدد و توهم عالم مدرن، از طرف دیگر، راه دیگری را برگزیدند که نه آن است و نه این، بلکه رسیدگی و آزادی از اسارتِ دوگانه‌ای است که مشهور گرفتار آند. خلقی جمود بر ظاهر عالم دینداری می‌کنند و تحجر بر مناسک صرف، و جمعی در تدارک و تمتع از هر چه بیشتر اهوائی نفسانی‌اند. و در این میان این رجبیون‌اند که نه در ظاهری بریده از آسمان معنا توقف دارند، و نه سودا زده‌ی آرمان‌شهر گسیخته از غیب مدرنیته. رنجی که بشر امروز می‌برد بی‌هویتی است. فرقی هم نمی‌کند امروز، تحجر و تجدد هر دو در نتیجه با هم شریکند و هر دو به یک مسیر منتهی می‌شوند و آن بی‌هویتی است و پریشانی. راه برون‌رفت از میانه این و آن «رجب» است. راهی است که انسان را در باطنی‌ترین ابعاد خودش با جهانی بس دلنشین‌تر از دیروز و امروزش در معنایی اصیل از خود برین‌اش و در ساحتی از تعلق به بی‌کرانگی‌اش و لذت‌جویی و بی‌نهایت طلبی‌اش و ابعاد نامحدود ساحت انسانی‌اش، روبرو خواهد کرد. حقیقت آن است که آدمی امروز، نه متعلق به دیروز است تا با ظاهری از آداب بتواند اعمال خود را ادامه دهد، و نه متعلق به امروز تا آن‌که بتواند با مظاهر مناسبات و آزادی مدرنیسم آنچه را می‌خواهد به دست آورد و آرام بگیرد. و ریشه‌ی حیرانی و سردرگمی‌اش در این جاست؛ در دوگانگی بین دیروز و امروز و راه ناپیدای فردایی که نمی‌داند چه می‌شود! «رجب»، بازجستِ حقیقت است که نه دیروز انسان است و نه امروز پوچ او، بلکه گذر از پوسته‌ی دیروز است و عبور از پوستین امروز، برای جاودانگی و احساس اصیل‌ترین بودن‌ها و حضوری تمام‌نشده‌ی که زمان را از آن خود کند، نه آن‌که اسیر زمان و زمانه باشد.

برای تلطیف زبان شاید مثال به انسان در افق برتر که انسان فردا به آن نظر دارد، همین ساحت شهدا خوب باشد که حاضرترین حضور را در اکنون بی‌کرانه‌ی خود یافتند و در عین بودن، خود را در ورای زمان و مکان در تاریخ حاضر می‌یابند و هر روز متعالی‌تر در زندگی ادامه پیدا می‌کنند بی‌آن‌که تمام بشوند، یا از چشم بیفتند یا بخواهند در مشهورات و معروفیت و مناسبات تکنیک و مدرنیسم معنا شوند. به هر حال راهی، فراگشوده پیش روی انسانی است که در فروبستگی وجه و صورتی از تاریخ به میان آمده است و ظرفیت آن را دارد تا عالی‌ترین نحوه‌ی حضور را پیش روی او بگشاید که همان رجب است و انسان با انتظار است که به فرج دست می‌یابد و از صورتی از تاریخ با صورتی دیگر روبرو

می شود و از وجهی به وجه دیگر آن منتقل می شود. و ما بایست به انتظاری که با حضور در تاریخی که با رجب می توانیم حاضر شویم امیدوار باشیم و فرجی که در پس تحیر تاریخی انسان است از انتظار حاصل می شود و راز این حلاوت شیرینی فرج و گشودگی است که آدمی را به فردایی بس فراتر از دیروز و امروز امیدوار می کند. «رجب»، حقیقتی است در تاریخ انسان، که بایست با آن روبرو شد به معنای زندگی در آن و حضور در معنایی که رجب پیش روی انسان می گشاید و گرنه می شود همان ادامه ی دیروزی که اصرار بر مناسک و اعمال دارد بدون نظر به ابعاد متعالی و معنایی و تاریخی رجب که رنجی است که آدمی تحمل کند آنچنان که مرتاضان تحمل می کنند اما با این تفاوت که این رنج را شریعت نیز پذیرفته است. رجب، قصه ی حضور نهایی ترین انسان در متعالی ترین ابعاد خودش می باشد. این سخن ادعا نیست! این را می شود در ادعیه ی ماه رجب دنبال کرد و گرنه خواندن دعا صرفاً همان بازی زبانی است که انسان را از طلب آنچه که می تواند بشود و باشد غافل می کند. حضرت استاد ببخشید به خاطر اطالهی کلام و لطف جنابعالی برای مطالعه ی وجیزه ی این حقیر.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: اگر یکی از خصوصیات اهل ایمان «زمان شناسی» است و شناخت نفعاتی که در ایام دهر و مراحل از روزگار سراغ انسان می آید؛ حقیقتاً ماه مبارک رجب، دریچه طلوع نفعاتی است که انسان را با لطیف ترین ابعاد خودش و عالم و آدم آشنا می کند و این مشروط بر آن است که متوجه باشیم «خبری در راه است»، و انسان با اذکار ماه رجب جان خود را متوجه آن خبر می نماید آن گاه که خود را در صراطی یافت که همچنان باید برود و چگونه از دیروز خود عبور کند به سوی حضوری که در دل همین صراط و رفتن نهفته است.

دیشب در مقدمه عرایض خود این طور عرض شد که «ماه رجب» حضور در عالمی را با انجام دستوراتی که فرموده اند، می گشاید که در ازای آن ما با اصیل ترین هویت ابدی خود روبه رو می شویم، به همان معنایی که حضرت صادق «علیه السلام» فرمودند: «إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٍ فِي بُطْنَانِ الْعَرْشِ أَيْنَ الرَّجَبِيِّونَ فَيَقُومُ أَناسٌ يُضِيءُ وُجُوهُهُمُ لِأَهْلِ الْجَمْعِ ... مَعَ كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ أَلْفٌ مَلَكٍ عَنِ يَمِينِهِ وَ أَلْفٌ مَلَكٍ عَنِ يَسَارِهِ يَقُولُونَ لَهُ هَنِيئاً لَكَ كَرَامَةُ اللَّهِ يَا عَبْدَ اللَّهِ فَيَأْتِي النَّدَاءُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ عِبَادِي وَ إِمَائِي وَ عَزَّتِي وَ جَلَالِي لِأَكْرَمِنَ مَثْوَاكُمْ ... هَذَا لِمَنْ صَامَ شَيْئاً مِنْ رَجَبٍ وَ لَوْ يَوْمًا وَاحِداً فِي أَوَّلِهِ أَوْ فِي وَسْطِهِ أَوْ فِي آخِرِهِ» چون قیامت برپا شود، منادی در باطن عرش ندا می دهد کیانند و کجایند «رجب یون». پس مردمانی که چهره شان بسی درخشان است بلند می شوند در حالی که در هر طرفی از آن ها هزار فرشته قرار دارد و به آن ها گفته می شود بزرگداشت شما توسط خداوند گوارایتان باد. و آن گاه ندایی از طرف خداوند به آن ها می رسد که ای بندگان من به عزت و جلالم قسم جایگاه شما را بسی بزرگ می دارم. و سپس حضرت فرمودند اگر کسی چیزی از آن ماه را روزه بدارد هرچند یک روز از اول یا وسط و یا آخر آن باشد، شایسته آن مقام خواهد شد. موفق باشید

